

## استعاره اسامی خاص در زبان فارسی

مهری روحی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان)

تاریخ پذیرش مقاله: آبان 1387

تاریخ دریافت مقاله: فروردین 1387

### چکیده

- هنوز هم مجرده، دنبال آئن دئن میگرده!

- یک لیلی و مجنوننی اند که نگو!

- چیه؟ رایین هود محل شدی؟

- خیلی ادعاش میشه، خیال کرده آرنولده!

این جملات و جملاتی مشابه آنها را شاید بارها شنیده باشیم و یا خودمان از آنها استفاده کرده باشیم. اگرچه استفاده از اسامی خاص به صورت استعاری امری رایج است اما عبارتهای استعاری حاوی اسامی خاص به ندرت مورد مطالعه قرار گرفته اند و تا جایی که می دانیم در فارسی به این نوع استعاره پرداخته نشده است. برای اولین بار لیونل وی (2004) مقاله ای در مورد استعاره اسامی خاص نوشت و در آن توضیح داد که استعاره اسامی خاص در چارچوب پیشنهادی لیکاف برای استعاره یعنی مدل انطباقی، قابل توجه نمی باشد و مدل میان طبقه ای گلوکسبرگ و کیسر (1990) در این زمینه کارآمدتر عمل می کند. در این مقاله به مقایسه این دو مدل در بررسی استعاره اسامی خاص می پردازیم و نکاتی چند، در مورد این استعاره در فارسی را متذکر می شویم.

**واژه های کلیدی:** مدل انطباقی، مدل میان طبقه ای، مبدا، مقصد، نگاشت.

**مقدمه**

همانطور که می‌دانیم مدل انطباقی لیکاف در استعاره قائل به وجود دو قلمرو مبداء و مقصد و نگاشت بین این قلمروها در شکل‌گیری استعاره می‌باشد (لیکاف، 1980). در این مدل دو قلمرو که دارای شباهت‌هایی هستند انتخاب شده و ویژگی‌های قلمرو عینی تر (مبداء) بر قلمرو انتزاعی تر (مقصد) نگاشته می‌شود. اما وی (2004) معتقد است که مدل لیکاف حداقل در مورد استعاره اسامی خاص کارآمد نمی‌باشد و بهتر است ما در توصیف این استعارات از مدل میان طبقه‌ای بهره‌گیریم. در ادامه او به ذکر ویژگی‌های این دو مدل می‌پردازد. در مدل انطباقی لیکاف ما با محدودیت سر و کار داریم. به عبارتی محدودیت‌هایی وجود دارند که نگاشته‌های احتمالی را کاهش می‌دهند، و در صورت عدم حضور آنها ما با انبوهی از نگاشت‌ها مواجه خواهیم شد. به دلیل وجود همین محدودیت‌هاست که نگاشتی بر نگاشت دیگر رجحان می‌یابد. از طرف دیگر، ما در این مدل با رابطه‌ای یک به یک مواجه هستیم و معمولاً آنچه در قلمرو مبداء وجود دارد قابل تعمیم به قلمرو مقصد می‌باشد. نکته دیگر وجود اصلی است که لیکاف از آن به عنوان اصل تغییرناپذیری (Invariance principle) یاد می‌کند. براساس این اصل نگاشته‌های استعاری، ساختار طرحواره‌های تصویری را به گونه‌ای که با ساختار قلمرو مقصد مطابق باشد، حفظ می‌کنند. به عبارت دیگر، براساس اصل تغییرناپذیری، روابط ساختاری می‌بایست در جریان نگاشت حفظ شوند. اصل تغییرناپذیری تضمین می‌کند که برای مثال در طرحواره‌های ظرف، فضاهای داخلی بر فضاهای داخلی فرافکن شوند و فضاهای خارجی بر فضاهای خارجی و مرزها بر مرزها؛ و در طرحواره راه، مبداءها بر مبداءها، مقصدها بر مقصدها و مسیرها بر مسیرها فرافکن شوند. اما در مدل میان طبقه‌ای، چنین رابطه‌ی یک به یکی را نداریم و بنیان استعاره براساس شباهت نهاده نشده است. در این مدل ما با گروهی مواجه هستیم که در زمان خلق استعاره، شکل می‌گیرد و عضوی از آن به عنوان سرنمون (Prototype) انتخاب می‌شود (مبداء) و به جای عضو دیگر (مقصد) می‌نشیند. برای روشن تر شدن مطلب به مثال زیر توجه کنید:

## 1. خانه‌اش مثل زندان می‌مونه!

در مثال فوق «زندان» سرنمون «موقعیت و مکان ناخوشایند» است. در هنگام خلق این استعاره، گروهی که خانه و زندان اعضای آن هستند، شکل می‌گیرد، و بعد عضو سرنمون (زندان) انتخاب شده و به جای عضو دیگر (خانه) می‌نشیند. در اینجا قائل به شباهت بین مبداء و مقصد نیستیم، بلکه شنونده با شنیدن این استعاره، یک گروه موقت در ذهنش می‌سازد که مبداء و مقصد از اعضای آن هستند و مبداء سرنمون است.

از دیگر تفاوت‌های این دو مدل می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر مبداء و مقصد عضو یک گروه باشند، تنها آن ویژگی‌ای که کل گروه را توصیف می‌کند، نگه داشته و برجسته می‌شود و از سایر صفات موجود صرف‌نظر می‌شود (کمپبل و کتر، 2006)؛ اما در مدل انطباقی، تمامی ویژگی‌های دو گروه می‌بایست در نظر گرفته شود. که در ادامه این مقاله، با ذکر مثالهایی به روشن تر نمودن این قضیه خواهیم پرداخت.

**استعاره اسامی خاص در فارسی**

اکنون به سراغ استعاره اسامی خاص در فارسی و ویژگی‌های آن می‌رویم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

2. شوهرش یک **بخت‌النصری** است که نگوا!

3. یک لیوان آب بهم بده، مگه **شمیری**؟

4. فکر کرده **شجریان**، از صبح تا شب چه چه می‌زند.

استفاده از استعاره اسامی خاص در فارسی معمول است. اما ما زمانی می‌توانیم مفهوم استعاری این اسامی را درک کنیم که با صاحب آن نام و یا ویژگی‌های او آشنا باشیم. مثلاً زمانی ما مفهوم جمله زیر را درک می‌کنیم که دیوید بکام را بشناسیم و مثلاً از علاقه او به تغییر دائمی مدل موهایش آگاه باشیم:

5. شده دیوید بکام، هر روز به یک شکل در میاد.

گفتیم که در مدل میان طبقه‌ای ما یک ویژگی را در نظر گرفته و از سایر ویژگی‌ها صرفنظر می‌کنیم. در این نوع استعاره نیز ما با شرایط مشابهی مواجه هستیم. و وقتی یک ویژگی را مدنظر داریم از تفاوت‌های احتمالی چشم پوشی می‌کنیم:

6. علی کریمی، رونالدوی فوتبال ایران است.

7. آرزو هم شوماخری است واسه خودش!

در مثال 6 ما صرفاً مهارت در بازی را ملاک قرار داده و از تفاوت رنگ پوست صرفنظر می‌کنیم. در مثال 7 نیز ملاک مهارت در رانندگی است و تفاوت جنسیت نادیده گرفته شده است. به عبارت دیگر، در ساخت این گونه استعاره، ما نه تنها می‌بایست بدانیم که کدام صفت اسم انتخابی ما برجسته است، بلکه باید بدانیم که از کدام صفات نیز می‌بایست صرفنظر کنیم. به بیان دیگر، این نوع استعاره، مبین ویژگی منتخب و برجسته مبداء و مقصد است.

به نظر می‌رسد که بتوان برای این نوع استعاره تقسیم‌بندی‌ای را قائل شد. اسامی مورد استفاده در این استعاره از چند منبع انتخاب می‌شوند:

اسطوره‌ها، قهرمانهای فیلم‌ها، شخصیت‌های کارتونی، مشاهیر علمی و هنری، ورزشکاران و افرادی که در مقطعی زمانی بنا به دلایلی شهرتی موقت می‌یابند و همین امر زمینه را برای کاربرد نام آنها در این نوع استعاره فراهم می‌سازد. از طرفی می‌توان به استعاره‌هایی اشاره کرد که منشاء دینی یا اعتقادی دارد. برای روشن تر شدن این دسته بندی در زیر مثالهایی از هر گروه می‌آوریم:

8. یک رستمی است که نگو!

9. آرنولد اومد!

10. دائم مثل تام و جری تو سر و کله هم می‌زنند.

11. خیلی درس می‌خونه، انیشتین واسه خودش!

12. حامد بهداد، چارلز برانسون سینمای ایران است.

13. باید دست شهرام جزایری‌ها را از بیت المال کوتاه کرد.

14. این عثمان بازی‌ها چیه توی این اداره؟

15. چرا اینقدر اذیتش می کنی هر مله؟

البته استفاده از این نوع استعاره همیشه جنبه مثبت ندارد و گاهی برای استهزاء و تمسخر به کار می رود:

16. یک قطره آب از دستش نمی چکه، حاتم طاییه دیگه! (اشاره به فردی خسیس)

17. رستم با رخشش اومد! (اشاره به فردی که ریز نقش است یا ماشین قدیمی ای دارد).

18. انیشتن اومد! (اشاره به دانش آموز تنبل کلاس)

به نظر می رسد که افراد مسن تر اسطوره ها را به عنوان منبعی برای ساخت این نوع استعاره انتخاب می کنند و جوانان قهرمانهای فیلمها یا افراد سر شناس عصر خود را برای این منظور بر می گزینند. شاید به همین دلیل است که افراد مسن تر، برای اشاره به یک آدم قوی هیکل از کلمه «رستم» و جوانترها از لفظ «آرنولد» استفاده می کنند.

از طرفی به نظر می رسد که استفاده از این نوع استعاره بیشتر برای خطاب به آقایان معمول است تا خانمها و نمونه های ارجاعی به خانمها بیشتر جنبه مثبت دارد (لیلی، شیرین، ...). تا منفی، هر چند نمونه هایی از این دست نیز نادر نیست.

19. مادر فولاد زره اومد!

گاهی اوقات فردی بنا به دلیلی به لقبی خاص شناخته می شود و از آن پس لقب او برای ساخت این نوع استعاره مورد استفاده قرار می گیرد:

20. خفاش شبی دیگر آرامش را از مردم ربود.

گاهی اوقات نام یک مکان که به دلیلی مشهور شده است مبنای ساخت این نوع استعاره قرار می گیرد:

21. در صورت هر گونه تجاوز، ایران را به طیس دیگری برای امریکا بدل می کنیم.

22. انگار کربلا بود، مظلومیت از سر و روی شهر می بارید.

23. ما اهل کوفه نیستیم.

گاهی اوقات نامی خاص برای اشاره به قشری خاص انتخاب می شود. مثلاً برای صحبت کردن از افرادی که به طریقه ای خاص لباس می پوشند یا مدل موی متفاوتی دارند و از دید

عموم مردم فاقد کلاس اجتماعی هستند، از لفظ «جواد» استفاده می‌شود، که شاید انتخاب این اسم به خاطر نام خواننده‌ای باشد که سالها پیش اینگونه لباس می‌پوشیده و ظاهری مشابه داشته است. البته لغات مشابهی هم وجود دارد که شاید نتوان منبع آنها را پیدا کرد. مثلاً گاهی برای اشاره به فردی که به قول معروف از مرحله پرت است از لفظ «هوشنگ» استفاده می‌کنند.

گاهی یک اسم در بافت‌های متفاوت به دلیل ویژگی‌های متفاوتش مورد استفاده قرار می‌گیرد. «پله» را همه به عنوان بازیکنی می‌شناسند که مهارت منحصر به فردی در شوت‌های قوی دارد. اما در دو جمله زیر انتخاب «پله» به دلیل دو ویژگی متفاوت است:

24. کریم باقری پله فوتبال ایران است.

25. تیم فوتبال آبادان با یازده پله در زمین بازی می‌کرد.

در مثال اول مهارت شوت زنی پله و در مثال دوم رنگ پوست او مورد نظر بوده است. شاید نتوان با قطعیت در این باره سخن گفت اما به نظر می‌رسد که جوانان حداقل در محدوده قدرت و بنیه فیزیکی ترجیح می‌دهند از اسامی شخصیت‌های خارجی استفاده کنند.

26. نمی‌دونی چه هرکولی شده!

27. تپیش شده مثل راکتی!

اما در حیطه روابط عاشقانه همچنان اسطوره‌های فارسی طلایه دار هستند:

28. شیرین و فرهاد اومدن!

و کمتر به نمونه‌های خارجی اشاره می‌شود. شاید به ندرت به مثالی برخورد کنیم که به جای نام شیرین و فرهاد از نام رومئو و ژولیت استفاده شده باشد. این امر بیانگر نقش فرهنگ در شکل‌گیری این نوع استعاره می‌باشد، که پرداختن به آن از حوصله این بحث خارج است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله به مبحث استعاره اسامی خاص در فارسی پرداختیم. شاید از نظر استعاری، اسامی خاص، چندان برای محققین قابل توجه نبوده باشند، اما از آنجائیکه در تشکیل نوعی استعاره مورد استفاده قرار می‌گیرند که دارای کاربرد عام در محاورات روزمره می‌باشد، مطالعه آنها نکات جالبی را فراروی ما قرار می‌دهد.

استفاده از اسامی خاص به عنوان منبعی برای شکل گیری استعاره، سوالی را در مورد رابطه مبداء و مقصد در استعاره مطرح می سازد و بعد این مساله مطرح می شود که توصیف این نوع استعاره در چارچوب کدام یک از مدل هایی که تاکنون ارائه شده اند، میسر می باشد. به نظر می رسد همانطور که وی (2004) به این نکته اشاره کرده، استعاره اسامی خاص بیشتر با مدل میان طبقه ای منطبق می باشد. دلیل این امر آنست که اسامی معمولاً برای اشاره به مرجعی خاص مورد استفاده قرار می گیرند و هر مرجع به طرق متعددی قابل توصیف است. اسامی به سادگی گروهی موقت ایجاد می کنند که طبیعت آن بسته به ویژگی خاص مورد نظر، متفاوت می باشد.

جدول مربوط به طبقه بندی استعاره اسامی خاص در فارسی

گروه	مثال
اسطوره ها و داستانها	سیاوش شده و برای اثبات بیگناهیش داره به آب و آتش میزنه! انگار اسفندیاره، هیچی بهش اثر نمیکنه! چیه مثل حسن کچل دائم نشستی کنج خونه؟ این ملا نصر الدین هم، همیشه کارهاش اینطوره!
بازیگران و قهرمانهای فیلمها	فکر کرده حالا گلزاره! این مرد عنکبوتی از دیوار راست میره بالا. فکر کردی سوپر منی از این کارها می کنی؟ یکهو سر و کله رمبو پیدا شد. دیشب چارلی چاپلین مهمون ما بود.
شخصیت های کارتونی	پلنگ صورتی اومد. نمی دونم این هاچ (زنبور عسل) دنبال چی میگرده؟ این میتی گمان هم که دائم کارت دانشجویی اش دستش است.

<p>این ادیسون، استاد کارهای الکتریکی است. این نیوتن ما هم معلوم نیست چی تو سرش خورد که یکهو مخش به کار افتاد. بابا یه پا داوینچی است واسه خودش! اینقدر خودت را خسته نکن پیکاسو!</p>	مشاهیر علمی و هنری
<p>این کارتن سنگین رو چطوری بیارم؟ نکنه فکر کردی رضا زاده ام؟ بادمجون زیر چشمت، کار کلیه (محمد علی کلی)؟ جابر روزبهرانی او مد.</p>	ورزشکاران
<p>با شهرام جزایری ها برخورد می‌شود. کودکان معصوم، قربانی بیجه ای دیگر شدند.</p>	افرادی که شهرت موقت می‌یابند
<p>چه بسا دیده شده که از زیر لباس سلمان فارسی، شمر ذی الجوشن بیرون آمده است. شمر ذی الجوشن است و به لباس یکی از چهارده معصوم در آمده است. این طفلان مسلم هم غریب و تنها گوشه ای کز کرده بودند. این ازرق شامی هم بُراق شده بود تو چشمام.</p>	دینی - اعتقادی

### منابع

- جمالزاده، سید محمد علی، 1381، آسمان و ریسمان، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات سخن.
- Campbell, John D. & Albert N. Katz, 2006, "On Reversing the Topics & Vehicles of the Metaphor", *Metaphor & Symbol* 21(1), 1-22
- Glucksberg, S. & B. Keysar, 1990, "Understanding Metaphorical Comparisons: Beyond Similarity". *Psychological Review* 97. 3-18
- Lakoff, G., 1987, *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*, University of Chicago Press, Chicago.
- Lakoff, G. & M. Johnson, 1980, *Metaphors We Live By*, the University of Chicago Press, Chicago.
- Lakoff, G. & M. Turner, 1989, *More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*, the University of Chicago Press, Chicago.
- Wee, Lionel, 2004, *Proper names and Theory of Metaphor*, Cambridge University Press.